

**1917 - 2017**  
**صدمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی**  
**اکتبر در روسیه**  
**بشریت نیازمند اکتبر نوینی است!**



Der Bolschewik, Ölgemälde von Boris Kustodijew (1920)

ترجمه و تکثیر < یکی از فعالین چپ در وین - اتریش >

**Kontaktadresse: Iran-Rat, Amerlinghaus, Stiftgasse 8, A-1070 wien**  
**email:linksaktivist@gmx.at**

2017 - 1917

## صدمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه بشریت نیازمند اکتبر نوینی است!

در هفتم نوامبر (1) 1917 غرش توپ‌های ناوشکن آورا (Aura) بر کاخ زمستانی تزار - محل نشست دولت بورژوازی - دوران نوینی را در تاریخ جهان به صدا درآورد:

### عصر انقلابات پرولتری تحت رهبری پرولتاریا علیه امپریالیسم!

طوفانی که کارگران و دهقانان در مرقدرت بورژوازی همراه با غرش توپ‌های «آورا» بپا کردند، هجومی علیه پایه‌های فئودال امپریالیسم روسیه بود. برای اولین بار در تاریخ بشریت، مرکز قدرت دولت بورژوازی توسط یک قیام مسلحانه تحت رهبری حزب کمونیست - بلشویکی، درهم‌شکسته میشد و حاکمیت زحمتکشان، دیکتاتوری پرولتاریا برقرار می‌گردید. در نتیجه انقلاب اکتبر در روسیه، بر خرابه‌های مناسبات گذشته و در جنگ سخت داخلی علیه ارتجاعی که از طرف دولت‌های امپریالیستی، بشدت حمایت میشد، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متولد شد.

یک ششم کره زمین از چنگال استثمار امپریالیستی آزاد شد و سرخ شد! از هفتم نوامبر ستاره سرخ بر فراز کرملین به نشانه رهائی و راه انقلاب جهانی پرولتاریائی برای تمامی فئودستان، استثمار و سرکوب‌شدگان روی زمین به درخشش درآمد، ستاره سرخی که راهنمای پارتیزانها و ارتش سرخ در نابودی فاشیسم هیتلری بود.

ستاره سرخ دهها سال بعد جلا و درخشش خود را با قدرت‌گیری کامل رویونیست‌ها از دست داد و دیکتاتوری نوین بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌ها جایگزین دیکتاتوری پرولتاریا گردید. ولی این چرخش نافی این حقیقت نیست که: **7 نوامبر 1917 برای تمامی بشریت یک واقعه استثنائی و برای آینده انسانیت یک تاریخ راهنماست.** بورژوازی همه کشورها تمامی کوشش خود را بکار گرفته و می‌گیرند تا خاطره این روز بزرگ پیروزمند پرولتاریای روسیه را بدست فراموشی بسپارند و مورد افتراء قرار دهند. در مقابل تمامی کارگران آگاه به منافع طبقاتی، و زحمتکشان که دیگر وضعیت موجود را بر نمی‌تابند، بمناسبت صدمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر این روز را گرامی داشته و مبارزات خود را علیه بربریت امپریالیستی دوچندان می‌کنند. آنها آموزش‌های راهبردی انقلاب اکتبر را اساس حرکت خود قرار داده و با تکیه به آنها این دگرگونی عظیم را که توسط رویونیست‌های ضدانقلابی به کجراه کشانده شد، ارج نهاده و راه اکتبر را ادامه می‌دهند.

### انقلاب اکتبر: فراخوانی به قیام علیه وضع موجود

حال ببینیم وضعیت جهان بویژه روسیه قبل از انقلاب اکتبر چگونه بود؟ در این زمان جهان امپریالیسم درگیری از خونین‌ترین جنگهای تاریخ دنیا، جنگ جهانی اول بود. جنگی که بنام دفاع از "کشور پدری"، "شرف"، "استقلال" و نیز بنام "خدا"، و غیره توجیه میشد ولی این جنگ چیزی جز سلاخی خلفها برای تجدید تقسیم جدید جهان توسط قدرت‌های بزرگ نبود. همه‌جا خلفها غرق گرسنگی، تباهی، مرگ و آوارگی و کشتار توده‌ای بودند، تاثیر تبلیغات میهن‌پرستانه - ناسیونالیستی بورژوازی در طول سالهای سخت جنگ تاثیر خود را از دست میدادند. کارگران و زحمتکشان که بزور به لباس نظامی ملیس شده بودند هر چه بیشتر به این واقعیت پی می‌بردند، که از آنها بمنابه گوشت دم توپ، جهت برآورد منافع آزمندان بورژوازی استفاده می‌شود.

بلشویکها بیش از پیش این واقعیت مسلم را که: جنگ جاری جنگی امپریالیستی است در مغز زحمتکشان می‌نشانند و اینکه در هر کشور امپریالیستی دشمن اصلی، بورژوازی خودی است و کسی که خواهان صلح است باید قبل از هر چیز علیه بورژوازی خودی مبارزه نماید، اسلحه را بطرف او نشانه رفته و قدرت بورژوازی را در یک انقلاب مسلحانه درهم شکنند و اینکه تنها راه

تأمین صلحی عادلانه و پایدار انقلاب است و هر چیزی غیر از این، حرفی پوچ و مهملی رفرمیستی است.

انقلاب اکتبر بعد از سرنگونی تزار و دولت هشت ماهه بورژوازی کرنسکی (Kerenski) را سرنگون کرد، دولتی که بعد از کسب قدرت به شرکت روسیه در سلاخی جهانی تحت نام دفاع از انقلاب همچنان پایبند بود.

اولین فرمان قدرت شوراهای نوین، "مصوبه درباره صلح" بود که در آن پایان جنگ را از طرف روسیه بعنوان یکی از طرفین درگیری اعلام می کرد و کارگران و زحمتکشان تمامی ملل در جبهه های جنگ را به قطع عملیات نظامی و برادری فرای سنگرهای جنگ دعوت می نمود و تمامی قراردادهای محرمانه تزارها و بورژوازی روسیه را با همه قدرت های امپریالیستی علنی و نیز دولت های بورژوازی درگیر جنگ را به ترک مخاصمه و آغاز فوری مذاکرات بدون هیچگونه الحاق طلبی فرا می خواند. انقلاب در روسیه به تمامی سربازان کشورهای دیگر نشان داد: صلح از کانال انقلاب علیه بورژوازی خودی امکان پذیر است. انقلاب اکتبر فراهوانی به صلح، فراهوانی برای انقلاب مسلحانه علیه وضع موجود بود.

### **کارگران و زحمتکشان امروز در سال 2017 با چه وضعیتی روبرو هستند؟**

امروزه در تمامی نقاط جهان بنام آزادی، دمکراسی و حفاظت از شیوه زندگی غربی، بنام استقلال، به بهانه مبارزه علیه تروریسم، بنام خدا و غیره جنگ های استعماری در جریان است. قدرت تخریبی اسلحه هایی که امروزه بکار گرفته می شوند چندین برابر صد سال پیش است و میلیون ها انسان را مجبور به ترک خانه و کاشانه شان کرده است. در یک طرف سرمایه هنگفتی از کالا انباشت شده است که توسط زحمتکشان تولید می شود، و در طرف دیگر همانند گذشته "سرنوشت" اجتناب ناپذیر، گرسنگی و فقر میلیارد ها انسان را در خود تنیده است، در حالی که کمتر از یک درصد از جمعیت کل جهان بیش از نیمی از مجموع ثروت را صاحب است. اضافه بر آن نابودی جابراه شرايط زندگی و تخریب محیط زیست که مسبب واقعی آن تولید بی رحمانه سرمایه داری است، شدت ادامه دارد.

این وضعیت دلیل کافی برای استثمارشدگان و سرکوبشدگان است که امروز بیش از گذشته به ندای انقلاب اکتبر جواب دهند: علیه وضع موجود بپاخیزید! چون تغییرات واقعی تنها از طریق انقلاب پرولتاریائی امکان پذیر است.

### **انقلاب اکتبر: تمامی حقوق به کارگران و زحمتکشان**

**"نظام شوروی حداکثر دمکراتیسم برای کارگران و دهقانان است و در عین حال دال بر گسست با دمکراتیسم بورژوائی و پیدایش طراز نوین جهانی تاریخی دمکراسی یعنی دمکراسی پرولتری یا دیکتاتوری پرولتاریا است. بگذار سگان و خوکان بورژوازی محض و دمکراسی خرده بورژوائی که از دنبال این بورژوازی می رود بخاطر ناکامی ها و اشتباهات مرتکبه در امر ساختمان نظام شوروی ما بارانی از لغت و دشنام بر سر ما بیارند. ما دقیقه ای فراموش نمی کنیم که ناکامی ها و اشتباهات ما واقعاً زیاد بود و زیاد است و اصولاً مگر می شود که در چنین امر تازه ای که برای تاریخ جهان تازه است یعنی در امر ایجاد تراز تاکنون نادیده سازمان دولتی بدون ناکامی و اشتباه عمل کرد! ما پیوسته در راه اصلاح ناکامی ها و اشتباهات خودمان و بهبود انطباق عملی اصول شوروی، انطباقی که بسیار و بسیار از حد کمال دور است، مبارزه خواهیم کرد. ولی ما حق داریم بخود ببالیم و می بالیم که سعادت شروع ساختمان دولت شوروی و بدینوسیله شروع دوران نوین در تاریخ جهان، دوران سلطه طبقه نوین که در کلیه کشورهای**

سرمایه‌داری ستمکش است و همه جا بسوی زندگی نوین، بسوی پیروزی بر بورژوازی بسوی دیکتاتوری پرولتاریا، بسوی خلاصی انسانیت از یوغ سرمایه و جنگ‌های امپریالیستی گام برمیدارد، نصیب ما شده است." (2)

اولین فرمان حاکمیت شوراهای سلب مالکیت از سرمایه‌بزرگ و زمینداران کلان بود. دیکتاتوری پرولتاریا تولید اجتماعی را بدست گرفت، و علیه نظام استثماری کهن نشانه رفت و کوشش‌های کودتاگرانه حامیان نظم گذشته را سرسختانه و با خشونت سرکوب کرد.

دیکتاتوری پرولتاریا همزمان دمکراسی وسیعی را برای زحمتکشان تامین نمود. آنها خود را در شوراهای کارگران، سربازان و دهقانان سازماندهی نمودند و ساختمان کشور را تحت شرایط سخت جنگ داخلی و مداخله نظامی امپریالیست‌ها آغاز کردند.

سازماندهی دمکراتیک و اشتراکی انسانهای کارکن در تمامی سطوح جامعه و مداخله مستقیم آنها در سازماندهی تولید و تغییر انقلابی و دمکراتیک جامعه، برابری زنان و مبارزه علیه پدرسالاری (Patriachat)، حق داشتن شش ساعت کار در روز، امنیت کاری، مرخصی کافی، امکانات تفریحی و استراحت، تحصیلات تخصصی و شایسته، دادگستری مردمی، هنر برای همه، تامین حقوق کودکان و تربیت جمعی آنها، رفع نیازهای پزشکی، اجتماعی کردن کار خانگی، دامن زدن به بحث‌های دمکراتیک سیاسی و اجتماعی - درست در سالهای 1930 اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دربرآورد مسائل ضروری روز جامعه، کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری را پشت‌سر گذاشته بود.

تامین احتیاجات مادی و معنوی انسانهای زحمتکش - هدف اساسی در سیاست بود. طبیعی است که عقب‌ماندگی کشور روسیه نمی‌توانست با یک ضربه از میان برداشته شود، بعنوان مثال مسئله مسکن در سال 1930 هنوز یک مشکل بزرگ بود. ولی سرعت توسعه، و راندمان سازندگی، سطح بالای زندگی تا کنونی انسانها، برتری جامعه سوسیالیستی را اثبات می‌کند.

بورژوازی در تبلیغات نفرت‌انگیزش علیه سوسیالیسم درشوروی درست این دست‌آوردها را پنهان نگه‌میدارد چون برای آنها جوابی ندارد. بهمین دلیل وظیفه دوچندانی درمقابل کمونیست‌ها قرار می‌گیرد که دانش‌های بدست‌آمده در باره قدرت سازندگی و تجارب گوناگون حاصل از آنرا در راه ایجاد یک جامعه نوین در اختیار توده‌ها قرار دهند.

کارگران و زحمتکشان در جامعه کنونی سرمایه‌داری بهیچ‌وجه به آنچه هست راضی نیستند، و در راه پیدا کردن بدیل، با انبوهی از تحریکات رسانه‌ای و تبلیغات بورژوازی روبرویند که مغز و قلب آنها را پوک و کنکرده‌است. بهمین خاطر ضرورت بحث در باره انقلاب روسیه و تبیین تجارب آن چه مثبت و یا منفی، برای ایجاد یک جامعه نوین کمال اهمیت را دارد.

### **انقلاب اکتبر: برابری کامل تمامی ملل**

انقلاب اکتبر در روسیه کمزندان خلق‌ها بود، برای رهایی ملت‌های دربند، انترناسیونالیسم پرولتاریائی را جایگزین ملی‌گرایی و عظمت‌طلبی بورژوازی نمود و بدین‌گونه یک تغییردورانساز را آغاز کرد. درست در اولین روزانقلاب "حق برابر برای تمامی ملل" و حق ملت‌ها "برای تعیین سرنوشت خویش تا حق جدائی" اعلام شد. اتحادشوروی اولین کشوری بود که در آن خلق‌ها با انتخابی آزادانه در یک اتحادیه جمهوری‌های متساوی‌الحقوق و نواحی خودمختار درکنار هم قرار گرفتند. فنلاند در یک همه‌پرسی همگانی به جدائی دولتی رای داد و دولت بلشویکی هم آنرا بدون اما و اگر پذیرفت. در زندگی روزانه هم تمامی ملت‌ها در استفاده از زبان و فرهنگ خودی آزاد بودند و با راسیسم، عظمت‌طلبی و یهودی‌ستیزی فعالانه مبارزه می‌شد. انقلاب اکتبر در عمل

نشان داد که سوسیالیسم تنها بدیل واقعی راسیسم - شووینیسیم و بربریت امپریالیسم است. انقلاب اکتبر اثبات کرد که حل واقعی مسئله ملی تنها از طریق انقلاب پرولتری امکان پذیر است. او همچنین نشان داد که "حق تساوی ملل تا زمانی که سرمایه حاکم است و تا زمانی که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید برقرار است و تا زمانی که طبقات وجود دارند. نمی تواند تضمین گردد، تساوی ملل همانقدر امکان ناپذیر است، مانند همکاری توده های کارگر ملیت های مختلف، تا زمانی که قدرت سرمایه برقرار است، و بر سر مالکیت بر ابزار تولید مبارزه در جریان است" (3) یک تجربه روزآمد و مهم دیگر انقلاب اکتبر این است که مبارزه رهایی بخش ملی زمانی به رهایی واقعی منتهی خواهد شد که هدایت سیاسی آن در دست طبقه کارگر باشد، در غیر این صورت سپردن قدم به قدم دست آوردهای مبارزاتی به بورژوازی اجتناب ناپذیر خواهد بود. تکامل سالهای 50 - 60 - 70 قرن گذشته کشورهای آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا و رهایی آنها از سلطه امپریالیسم این حقیقت را کاملاً اثبات نمود، و بار دیگر با توجه به مبارزات گسترده ملی در جهان مسئله ای کاملاً روزآمد شده است.

### انقلاب اکتبر: روشنگری بجای ارتجاع مذهبی

ناین آه انسان نا امید، قلب دنیای بی قلب، احساس شرایط بیروح است، دین افیون مردم است" (4) که از طرف بورژوازی همانند گذشته با مهارت علیه طبقه کارگر و خلفها بکار گرفته میشود و آنها را توسط دین و مذاهب علیه همدیگر تحریک می کنند. امروزه گروه های متعصب مذهبی اسلامی، مانند دولت اسلامی (IS)، طالبان (Taliban)، القاعده (Al Qaida) (الشباب) die Jugend) و غیره توسط امپریالیست های گوناگون بعنوان "دشمن بشریت"، "دشمن ارزشهای انسانی) غربی) (شیوه زندگی و فرهنگ معرفی می شوند. تمامی امپریالیست ها چه غربی و چه شرقی جنگ هایشان را بخاطر تقسیم مجدد جهان بنام مبارزه با " تروریست های ضد بشر اسلامی" به پیش می برند. در حالیکه این سازمانها در نهایت محصول سیاست های امپریالیستی هستند که خلفها را به انقیاد کشیده و در رقابت با دیگر امپریالیست ها سازمانهای مذهبی - ملی " آزادیبخش می سازند و یا " مورد پشتیبانی قرار می دهند. بعنوان مثال القاعده از جمله این سازمانهاست که هنگام اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیسم روس، توسط امپریالیسم آمریکا و سیا) CIA) ساخته و پرداخته شد. دولت اسلامی که امروز بعنوان یک سازمان اهریمنی تبلیغ می شود در طول اشغال عراق توسط امپریالیست های غربی شکل گرفت، و فرق ترور آن با ترور امپریالیست ها تنها در بکارگیری ابزار ترور است. دین و تعلق مذهبی یک عامل پیوند مبارزاتی علیه اشغالگری، انقیاد و بردگی است. " دین احساس دنیای بی قلب است" که " در آن انسانهای نا امید خود را باز می یابند" اگر در ابتدا چنین سازمانهای مذهبی مستقیماً توسط امپریالیست ها بعنوان ابزار کار ساخته و پرداخته می شوند، زمانی هم خود را از کنترل مستقیم خارج می کنند. و اگر هم تحت کنترل مستقیم نباشند از آنها استفاده ابزاری برای دست زدن به جنگ های غارتگرانه نواستعماری می کنند، همانطوریکه اکنون در سوریه، عراق، مالی، کنیا و غیره از این گروهها بهره برداری می کنند. عبارات دیگر مبارزه امپریالیست ها علیه تعصبگرایی مذهبی، چیزی جز عوام فریبی نیست.

انقلاب اکتبر در عمل نشان داد، که چگونه می توان علیه ارتجاع مذهبی مبارزه کرد. دولت پرولتاریائی بعد از انقلاب اکتبر دین را بمثابه امری خصوصی اعلام کرد و تبلیغات روشنگرانه علیه عملکرد واقعی دین سازماندهی نمود و با نهادهای مذهبی فعالانه مبارزه کرد و از طرف دیگر کوشش نمود از درگیری و سرکوب مذاهب مختلف علیه یکدیگر جلوگیری نماید و بدین سان از دعوای مذهبی که مانعی برای همزیستی مسالمت آمیز خلفها بود اجتناب گردید. همانطور که

انقلاب اکتبر ثابت نمود، حل واقعی مسئله ملی توسط انقلاب برهبری پرولتاریا میسر است، در مورد مسئله مذهب هم جدائی واقعی دین از دولت را عملی کرد که تا آنموقع هیچ دولت بورژوازی موفق به این کار نشده بود چون این عمل با نظام استثمارش در تضاد است. دولت بورژوازی مذهب را بمثابة امر خصوصی فرد تعریف نمود. " مذهب یا بی حقوقی زنان یا ستمگری نسبت به ملیت های غیر روس و نابرابری حقوقی آنها را در نظر بگیرید. همه اینها مسائل مربوط به انقلاب بورژوا دمکراتیک است فرومایگان دمکراسی خرده بورژوازی هشت ماه درباره این مطالب پرگونی می کردند، حتی یک کشور راقی جهانی نیست که این مسائل در آن در جهت بورژوا دمکراتیک تا آخر حل شده باشد. در کشور ما این مسائل بوسیله قانون گذاری انقلاب اکتبر تا آخر حل شده است. ما با مذهب چنانچه که باید و شاید مبارزه کرده ایم و می کنیم. (5).

#### انقلاب اکتبر: نقش تعیین کننده حزب بلشویکی

برای اینکه بربریت امپریالیستی از نظر تاریخی دفن شود، تحقق انقلاب پرولتری و بنای ساختمان سوسیالیسم امری کاملاً ضروری است، امروزه مهمترین وظیفه، ایجاد یک حزب واقعی مارکسیست - لنینیستی و درحقیقت بلشویکی است که بتواند کارگران و زحمتکشان را تحت رهبری خویش متحد نماید. پیش شرط اساسی انقلاب اکتبر این امر مهم بود که طبقه کارگر در این انقلاب توسط حزبی کمونیستی رهبری می شد. " تنها حزبی مانند بلشویکی به اندازه کافی جسور، قادر بود مردم را به حمله نهائی رهبری نماید، حزبی باندازه کافی با تدبیر و هشیار که تمام قله های سر راه را دور بزند - تنها چنین حزبی می توانست با مهارت لازم جنبش های گوناگون را در یک جریان واحد متحد نماید، جنبش دمکراتیک عمومی برای صلح، جنبش دمکراتیک دهقانی برای تصرف زمین از زمینداران، جنبش رهایی بخش خلق های تحت ستم جهت کسب برابری ملی و جنبش سوسیالیستی پرولتاریا برای سرنگونی بورژوازی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا. " (6)

طبیعی است که چنین حزبی در اکتبر 1917 از آسمان نازل نشد. این حزب در نبردی بین المللی علیه رفرمیسم، آشتی طبقاتی و تکیه زندگان بر سنت فرصت طلبی پارلماناریسم انترناسیونال دوم، بعنوان پیشاهنگ طبقه کارگر ایجاد شد. این حزب در انقلاب، در مبارزه طبقه کارگر در روسیه تکامل یافت و آبدیده گردید. این حزب حاصل کار آگاهانه مارکسیست های بود که جنبش کارگری را با سوسیالیسم علمی تلفیق نمودند. این حزب جایی بنا شد که طبقه کارگر در آنجا حیات داشت: در تولید و در کارخانجات، ساختار سازمانی آن در سلولهای کارگاههای تولیدی مستقر بود، آنطوری که شایسته یک حزب طبقه کارگر است. این حزب میلیونها توده کارگر را با تئوری انقلابی و علمی مارکسیستی مسلح نمود و به مواضع انقلابی هدایت کرد. این حزب با یک خط سیاسی روشن توانست هماهنگ با نبض توده ها آنها را همواره در انقلاب و ساختمان سوسیالیسم برهبری دیکتاتوری پرولتاریا بدرستی راهنمایی کرده و خود را با آنها کاملاً پیوند زند. امروز در صدمین سالگشت انقلاب اکتبر، فقدان احزابی که درون طبقه کارگر پایه داشته باشند و لازمه پیروزی انقلاب جهانی پرولتاریائی است، کاملاً مشهود است. امر آزادی پرولتاریا تمامی مارکسیست - لنینیست ها را در سرتاسر جهان در برابر این وظیفه مبرم قرار می دهد، از آنجائیکه چنین احزابی موجود نیستند و یا اگر هستند نسبتاً ضعیف اند احزابی از نوع بلشویکی لنین و استالین بنا نمایند. هم اکنون نیز احزاب کمونیست ضروری اند برای اینکه بتوان با هیاهوی ایدئولوژیک

بورژوازی "پایان کمونیسم" مقابله نمود، توده‌های کارگر وزحمتکش را به نفع کمونیسم جلب کرد و برای اکتبر جدیدی به پیش رفت!

ضعف جنبش مارکسیست-لنینیستی باعث شده‌است که جوانان زیادی که "جویای دنیای دیگری" هستند، امید خود را در جنبش‌های ملی - بورژوائی جستجو نمایند، بخشی هم حتی "سوسیالیسم قرن 21" را بنام دین موعظه می‌کنند، و آنهایی هم که تمامی امید خود را جهت نابودی سرمایه‌داری از دست داده‌اند، بنام دمکراسی، حقوق بشر و ارزشهای غربی بدنبال امپریالیست-های خودی لنگ لنگان روانند.

از طرف دیگر: از آنجائیکه امپریالیسم بیش از گذشته، جهانی عمل می‌کند و سرمایه مالی بیش از گذشته گسترش جهانی یافته است و تعرض امپریالیست‌ها علیه طبقه کارگر و خلقهای تحت‌ستم داریم در حال افزایش است، شرایط عینی جهت اتحاد توده‌های کارگر وزحمتکش با خواهران و برادران هم‌طبقه‌ایشان فرای مرزهای ملی ودولتی بیش از گذشته فراهم است. امروزه آنچه که به شرایط عینی سوسیالیسم و کمونیسم مربوط می‌شود، این درک قوت می‌گیرد که در جهان امروز بطور عینی این امکان وجود دارد که یک اقتصاد واحد جهانی بوجود آید، که در آن تمامی انسانها برپایه استعدادهایشان سهم خود را ادا نمایند و همگی بنا به احتیاجشان از ثروت فراهم شده بهره‌مند گردند. ما باید تنها از صاحبان ابزار تولید سلب مالکیت نمائیم و در اختیار جامعه که صاحب اصلی آن است قرار دهیم. ما باید تمامی ابزار تولید کلیدی را اشتراکی کرده و استثمار را ناممکن گردانیم. خلاصه اینکه: استثمارشدگان و سرکوب‌شدگان کاری را که از انقلاب اکتبر آغاز شد سرمشق قرار داده و مبارزه را ادامه دهند. با وجود اینکه شرایط عینی برای انقلاب مناسب است، ولی اکثریت بزرگی از توده‌های کارگر وزحمتکش طبق منافع خود عمل نمی‌کنند، بنابراین وظیفه کمونیست‌هاست که عنصر ذهنی را به سطح امکانات عینی ارتقاء دهند. در تمامی کشورها باید مارکسیست - لنینیست‌ها و همچنین سازمانها، پیگیرانه در جهت ایجاد احزاب کمونیستی حرکت نمایند و با تبلیغ و ترویج خستگی ناپذیر کارگران و زحمتکشان را تحت پرچم کمونیستی متحد کرده و در زمینه بین‌المللی برای اتحاد تمامی نیروهای انقلابی بر اساس یک منشور مارکسیستی - لنینیستی مبارزه نمایند! این وظیفه اساسی و میرم روز است! بموازات آن یگانه کردن مبارزات عملی سازمانهای انقلابی و کمونیستی کاملاً ضروری است. یکی از ظرف‌های عملی همکاری در شرایط کنونی سازمانهای مارکسیستی-لنینیستی، تشکل‌های انقلابی و احزاب (ICOR) <هماهنگی بین‌المللی احزاب و سازمانهای انقلابی> است که در سال 2010 تأسیس شده‌است.

**بربریت امپریالیستی با اکتبر نوینی بزباله‌دان تاریخ انداخته خواهد شد.**

**آموزش‌های اکتبر!**

بدیل موجود همانند گذشته : **سوسیالیسم یا سقوط در بربریت است!** از پیروزی انقلاب اکتبر در سال 1917 تا کنون تغییرات زیادی صورت گرفته است. امپریالیسم با وجود شکست در اکتبر سرخ و پیروزی خلقها در جنگ جهانی دوم درهم شکسته نشد. با از دست رفتن دست‌آوردهای انقلاب، رویزیونیست‌ها، تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های بورژوا شده در کشورهای سابق شوروی و دمکراسی‌های خلقی، از جمله چین، قدرت را دوباره بدست گرفتند. امروزه هیچ کشوری که بتوان نام سوسیالیستی و یا حاکمیت خلقی بر آن نهاد، موجود نیست. سرمایه‌داری همانند قبل از جنگ جهانی اول دوباره در تمامی جهان حاکم است و این نظام خود را از آنچه که تصور میشد مقاوم و جان‌سخت‌تر نشان داده‌است. تجارب صدسال اخیر حاکی از آن است که چیرگی بر سرمایه‌داری امپریالیستی از طریق اصلاحات کاملاً خیالی خام است، بورژوازی اگر قدرت خود را

در خطر ببیند به فاشیسم متوسل می‌شود. گسترش شعاع عمل و جهانی شدن سرمایه در صد سال اخیر بطور چشمگیری افزایش یافته و انحصار بی‌اندازه منسجم‌تر شده است ولی ماهیت امپریالیسم تغییری نکرده‌است. تضادهای اصلی نظام همچنان تاثیر گذارند و روز بروز شدت می‌یابند. مثل سابق دولت‌های ملی شکل اصلی سازماندهی جوامع سرمایه‌داری‌اند. همانند گذشته سرمایه انحصاری جهانی تعیین کننده در بخش صنعت، کشاورزی و یا خدمات است. همانند گذشته انحصارهای مختلف برای دستیابی به بازار امپریالیستی مشغول رقابت‌اند. مثل گذشته یکپایگی کشورهای امپریالیستی در ائتلافهای مختلف جهت پیشبرد منافع بورژوازی خودی در حال رقابت با یکدیگرند، همانند گذشته قدرتهای بزرگ بخاطر تحمیل برتری خود بر جهان در حال جدالند. مثل گذشته ما در دوران امپریالیسم که تنها بدیل آن انقلاب جهانی پرولتری یعنی سوسیالیسم است زندگی می‌کنیم. امپریالیسم یعنی راسیسم، عظمت‌طلبی و ارتجاع و مردسالاری، استعمار بیرحمانه و غارت طبیعت. امپریالیسم یعنی بی‌آیندگی برای جوانان زحمتکش، چپاول بی حد و مرز طبیعت و طمع کسب سود مافوق که باعث تخریب محیط زیست شده و جهان را به مرز تغییرات جوی فاجعه‌باری کشانده‌است. تمامی اینها نشان می‌دهد: امپریالیسم بربریت است و اگر از طریق یک انقلاب تحت رهبری پرولتاریا از آن جلوگیری نشود جهان را به بربریت سوق خواهد داد. انقلاب اکتبر علیه تمامیت نظام امپریالیستی و تنها بدیل بربریت آن است. انقلاب بر رهبری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم انتخاب ماست. این واقعیت‌ها می‌بایست در صدمین سالگشت انقلاب اکتبر در مرکز تبلیغات ما قرار گیرد و برای آنها مبارزه شود. ما را موظف می‌کند هر چه بیشتر مصمم، آگاه و متشکل مبارزه نماییم!

**پیش بسوی مبارزه سوسیالیستی علیه بربریت امپریالیستی! – با نمونه بلشویکی احزاب کمونیستی را سازماندهی کنیم! – پیش بسوی اکتبری جدید! – پیش بسوی انقلاب سوسیالیستی جهانی – یا انقلاب اکتبر نوینی یا سقوط در بربریت امپریالیستی!**

**وین 017 3/3/2**

**کره زمین سرخ خواهد شد!**

درج، چاپ و نشر این مقاله با ذکر نام و منبع آن آزاد است!  
**پی‌نویس‌ها:**

- 1 - طبق تاریخ قدیم روسی انقلاب در 52 اکتبر آغاز شد ، که برابر هفتم نوامبر در تقویم جدید است.
  - 2- لنین " بمناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر " مجموعه آثار ، جلد 33 ، ص. 1219 ، 53- 43
  - 3- استالین " دهمین کنگره حزب کمونیست روسیه) بلشویکی ("مجموعه آثار، جلد. 5 ص. 33 ، 1921
  - 4- مارکس " نقد فلسفه حقوق هگل " مجموعه آثار 1، ص. 1884 □ 378
  - 5 - لنین " بمناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر " مجموعه آثار ، جلد 33، ص. 33 ، 1921
- استالین " تاریخ حزب کمونیست شوروی (بلشویکی) مجموعه آثار ، جلد 15، ص. 266 . 1938

Bolschewistische Partei (Nordkurdistan/Türkei) – BP (KK/T)  
[mail@bolsevikparti.org](mailto:mail@bolsevikparti.org) \* [www.bolsevikparti.org](http://www.bolsevikparti.org)

Initiative für den Aufbau einer Revolutionär-kommunistischen Partei Österreich – IA\*RKP  
[ia.rkp2017@yahoo.com](mailto:ia.rkp2017@yahoo.com) \* [www.iarkp.wordpress.com](http://www.iarkp.wordpress.com)

Kommunistische Aktion-Marxistisch-Leninistisch Österreich – KOMAK – ML  
[komakml@gmail.com](mailto:komakml@gmail.com)

Trotz alledem! (Deutschland) – TA  
[trotzalledem1.ml](http://trotzalledem1.ml)